



۲۰۱۶/۰۲/۰۷

حنیف رهیاب رحیمی

مشکلات زنان افغان

کشور های مختلف، روز جهانی زن را به گونه های متفاوت تجلیل می نمایند. در کشورهای پیشرفته و متمدن جهان، این روز به شکل بسیار کمرنگ و غیر محسوس تجلیل می گردد، علت آن ناگفته هویداست که همانا



حاکمیت دیموکراسی، برخوردار بودن زنان از حقوق شان و سهم گیری فعال آنان در همه امور زندگی در کنار مردان است که این دسترسی زنان به حقوق حق شان، مسئله مبارزه و تلاش آنها را کم رنگ و ضعیف می سازد. زیرا انسان همیشه برای بدست آوردن حق به مبارزه بر می خیزد که از آن محروم است.

هرگاه در مورد حقوق و موقف زن در کشور عزیز خود افغانستان صحبت نمائیم باید با کمال تأسف اعتراف نمود که زنان افغانستان در سطح کشورهای منطقه از هر لحاظ، در بدترین و دردناک ترین وضعیت قرار دارند. نبود و یا پائین بودن سطح سواد و آگاهی، محرومیت اکثریت مطلق مردان از علم و دانش، تسلط روابط قوی قبیله قرون وسطائی، ترویج رسم و رواجهای خرافاتی و ادامه آن با ده ها عامل دیگر در تشدید و دوام این وضعیت تأثیر گزار میباشد. زن افغان در روزگار فعلی در شرایط بسیار دشواری به سر می برد. منشاء این دشواری از قرار داشتن شان بر سر یک دو راهی بسیار حساس سرچشمه می گیرد. طوری که اصول و دساتیر دینی و معتقدات مذهبی و فرهنگ عنعنوی یک دسته احکام خاص را در رگ و خون شان تزریق نموده و او را خواهی نخواهی به پیروی از آنها وادار می دارد. و در سوی دیگر ایجابات تمدن و شرایط زندگی پیشرفته امروزی در بسا موارد با این اصول و احکام تزریق شده و ثابت، در تضاد قرار می گیرد.

پیشرفت علم و ساینس و تکنالوژی در عصر امروز ایجاب می نماید تا مرد و زن دوشادوش همدیگر در گرداندن چرخ های زندگی مشارکت داشته باشند. بدین معنی که به خاطر توصل و طی نمودن مراحل پیشرفت و ترقی، حضور زن در کنار مرد جسماً ضروری و حتمی است. عملی ساختن این اصل در بطن خود مسایل خورد و ریزه دیگری را نهفته دارد از قبیل:

- ☐ تحصیل و کسب علم در مکاتب و پوهنتون های مشترک و یا مخلوط با مردان که شاید در بعضی مواقع مستلزم مسافرت به شهر ها، مناطق دورتر حتی خارج از کشور نیز باشد.
- ☐ کار در یک کارخانه مشترک (دفتر، فابریکه، مزرعه...) دوشادوش و اکثراً بدون در نظر داشت وقت مانند کار های شبانه و یا روزانه و غیره.
- ☐ بر انداختن و عدم رعایت حجاب در محیط کار.

- آزادی عام و تام در بیرون شدن از منزل به منظور کار و یا تحصیل.
- اشتراک در کنفرانس ها، مجالس و سفرها با مردان بدون در نظر گیری وقت و مکان....
- با انجام دادن همه این فعالیتها زن دارای شخصیت حقوقی مستقل گردیده و در جامعه منحیث یک انسان مطرح میگردد:
- انسانی که در تولید و عاید سهم است،
- انسانی که مانند مردان و دوشادوش مردان وظائف سپرده شده را به نحو شایسته انجام می دهد،
- و انسانی که در موقف تصمیم گیری قرار می گیرد و تصامیم و فیصله هایش هم در بهبودی، همران و آبادی و هم در نابودی مشکلات و نابسامانی ها، سازنده و قاطع است.

حالا به خاطر جلوگیری از طوالت کلام بر می گردیم به زندگی زن افغان، زنان در افغانستان معمولاً در دو کتگوری عمده دسته بندی شده می توانند:

➤ در دسته بندی اول که اکثریت مطلق زنان کشور ما را احتوا می کند، زن موجودی است که در سن جوانی حق انتخاب شوهر را ندارد و مانند یک حیوان بی زبان، بنا بر فیصله پدر، برادر و کاکا به دست یک مرد سپرده می شود و حتی می توان گفت که اکثراً فروخته می شود. و پس از این که به خانه شوهر قدم گذاشت، مکلفیت هایی چون ارضای بی چون و چرای خواهشات شوهر، تولید نسل، پیشبرد امور منزل (آشپزی، پاک کاری، خیاطی، مالداري...) و تابعیت مطلق از ارشادات شوهر، مادر شوهر و سایر اعضای خانواده را مانند فرض عین برعهده دارد که نباید هیچ نوع تعلل و تأخیری در انجام این مسایل رُخ دهد، باید بدون اجازه شوهر حتی برای عیادت والدینش هم از چهار چوب دروازه حویلی بیرون نشود، در مسایل زن و شوهری هیچ نوع حق رد و یا خواهش را ندارد، حق انتخاب طرز لباس پوشیدن، حتی رنگ و ساخت آن هم به شوهر اختصاص دارد و بدتر از همه در صورت قهر بودن شوهر که علت آن ممکن است کاملاً بیرونی باشد، باید خود را آماده پذیرش لت و کوب هم کند تا به قیمت سلامتی زن، قهر شوهر فروکش نماید و . . .

➤ در دسته بندی دوم که یک اقلیت ناچیز جزء این دسته اند، زنائی قرار می گیرند که به مراتب بالاتر و بهتر از زنان دسته بندی اول اما در موقف پائین تر از زنان جوامع پیشرفته و متمدن که در بالا به آن اشاره شد، قراردارند. زنان شامل این دسته معمولاً در شهرها زندگی می کنند، در خانواده های تحصیل یافته و روشنفکر پرورش یافته اند و به رسم تعامل خانوادگی همسران روشنفکر و تحصیل یافته برای شان انتخاب نموده اند. در بیرون از خانه، دارای کار و شغلی هستند یعنی در عواید خانوادگی سهم فعال دارند، در محل کار و بیرون تا اندازه ای دارای آزادی هستند، با نهادهای مدنی و زنان در تماس و در فعالیت های شان سهم هستند. از حقوق و مکلفیت های شان واقف و منحیث یک عنصر فعال، زنده و سازنده در اجتماع زندگی می نمایند.

ولی این دسته زنان نیز باوجود تفاوت های مثبت یاد شده، تابع یک سلسله رسوم و عنعنات حاکم در جامعه هستند. خواه این رسوم و عنعنات مستدل و مبتنی بر علم و منطق باشد خواه بدون پایه منطقی ولی نسل به نسل قبول شده. گریز از قبول اینگونه رسوم کهنه که ممکن خواست و تمایل این دسته نیز باشد، با در نظرداشت وضعیت موجود فکری و فرهنگی در کشور، بدون شک مستلزم وقت و زمان است و طغیان و تمرد آنی در برابر آن منجر به برهم خوردن بسیاری روابط مستحکم خانوادگی و محیطی می گردد.

آنچه در فوق اشاره شد، فشرده ای است از وضعیت کنونی زنان در کشور ما. ولی در اصل، این مکلفیت به دوش زمامداران و سیاستمداران حاکم است که دارای چگونه مشی و پالیسی ای اند و کشور را به کدام جانب می خواهند سوق دهند؟

- به سوی تمدن، ترقی، تعالی، ساینس و تکنالوژی . . .
- و یا به سوی قهقراء و رژیم های قرون وسطائی و عنعنوی.

ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور ما بسیار سُست و ضعیف است. نهادهای زنان به اندازه کافی مستحکم و تهدابگذاری نشده تا برای برآورده ساختن حقوق شان که مهمترین آنها مصونیت حقوقی، برخورداری از خدمات صحتی و تعلیمی، منع خشونت خانوادگی و امثالهم می باشد، صدا و اعتراض شانرا به گوش کر و ناشنو ارگ نشینان و زمامداران بی تفاوت برسانند. فلذا این وظیفه و مکلفیت ارگان های دولت است تا با مطالعه و ارزیابی وضعیت فرهنگی و اجتماعی دست به کار شده و با استفاده از قوه اجرائی که در اختیار دارد موارد زیر را اولتر از همه حل و فصل نماید:

- قانون منع خشونت علیه زنان را با در نظر داشت منافع زنان و با احکام حمایتی آن به نفع زنان بطور جدی و عملی به منصفه تطبیق قرار داده شود.
- بعضی مواد قانون جزاء در مورد مجازات زنانی که بنابر مناقشات و مشکلات خانوادگی از منازل شان فرار نموده اند، بسیار ظالمانه و غیر عادلانه بوده و باید در آن تجدید نظر صورت گیرد و با منطق و حقوق بشر تطابق داده شود.
- در مجازات مجرمینی که در نتیجه تجاوزات جنسی، اختطاف دختران و زنان، انجام خشونت با اعمال فشار و قوه بیرحمانه، ضرب و جرح، انواع مزاحمت و غیره بدست قانون می افتند، تشدید به عمل آید و در تطبیق مجازات به منسوبین قضائی و امنیتی سهل انگار و معامله گر جزای شدید پیش بینی و تطبیق گردد.
- محابس کشور مملو از زنانی است که در اثر ارتکاب جرایم بسیار معمولی و عده ای هم بدون جرم، به مجازات حبس بسیار طولانی و غیر منصفانه محکوم شده اند. بخاطر رهائی این زنان مظلوم که بسیاری آنها با کودکان بیگناه شان در زندانهای سراسر کشور، در حالت رقتبار به سر میبرند، تصمیم هرچه عاجل تر اتخاذ گردد.
- برای بیدار ساختن وجدان قدرتمندان و شخص اول کشور دیدن فلمهای این کودکان معصوم و بی سرنوشت و مادران شان در زندان ها، جداً سفارش میشود. لطفاً برای بیدار ساختن وجدان تان اقلأ یکبار، یکی از این فلم هارا ببینید!!!
- برای آن عده زنانی که در نیروهای امنیتی کشور سرهای شان را به کف گرفته ایفای وظیفه می نمایند، طرح امتیازات مخصوص ترتیب و به منصفه اجراء گذاشته شود.
- امکانات و سهولت ها به خاطر سهم گیری زنان در ادارات دولتی و غیر دولتی بیشتر ساخته شود.
- خدمات صحتی در شهرها و نقاط دور دست کشور برای زنان مهیا گردد.

در آرزوی نجات زنان

تحت ستم کشور از رسوم و قیودات ظالمانه قبیلولی حاکم.

روز "جهانی زن"

بر زنان فداکار و نجیب افغان در سراسر جهان مبارک باد.